

مبانی مسئولیت مدنی دولت در قبال آلودگی های زیست محیطی

سید احمد عسگری ارجنکی^۱

چکیده:

امروزه با گسترش تعاملات و روابط در سطح بین المللی، مسئله ی حقوق محیط زیست در کانون توجه مجامع بین المللی قرار گرفته است و تمامی دول و اشخاص تلاش بر این دارند که تا شرایط زیست محیطی را در شرایط سالم نگه دارند. چه بسا بتوان یکی از مولفه های دولت خوب یا حکمرانی مطلوب را مسئله محیط زیست و به صورت اخص هوای پاک برشمرد. در حقیقت یکی از مهم ترین معضلات در زمینه ی محیط زیست، مسئله ی آلودگی هواست که امروزه یافتن راه حل هایی برای مقابله و کاهش این پدیده امری اجتناب ناپذیر است. شایان ذکر است که حق بر محیط زیست سالم جز حقوق بشری و از جمله حقوق ذاتی انسان هاست. در این میان برای مقابله با این پدیده، بحث مسئولیت مدنی مطرح گردید که بر اساس آن، عامل زیان بایستی جبران خسارت نماید. از جمله مبانی مسئولیت مدنی، نظریه ی تقصیر است که این نظریه به دلیل عدم شناخت سبب واقعی خسارت، کمتر مورد استفاده قرار می گیرد و برای حل این مشکل، نظریات مسئولیت بدون تقصیر و مسئولیت محض مورد قبول اکثریت کشورهای اروپایی است. راه های جبران خسارت در این زمینه نیز اعاده ی وضع به حالت سابق، از بین بردن منبع ضرر، جبران نقدی خسارت و تعهد به عدم آلودگی می باشد. در حوزه ی مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی ها، پیچیدگی هایی وجود دارد که از جمله این مشکلات می توان به تعدد اسباب، تدریجی بودن و پنهان بودن خسارات، دشواری ارزیابی خسارات و دشواری اثبات رابطه ی سببیت است. بنابراین لازم است که در این زمینه، ابتدا به ساکن اقدامات پیشگیرانه توسعه داده شود، و همچنین با تصویب قوانین و مقررات دقیق و جامع در این زمینه، می توان این مسائل را کاهش داد.

واژگان کلیدی: حق بر محیط زیست، آلودگی هوا، مسئولیت مدنی، جبران خسارت

^۱ نویسنده و مسئول - مدرس حقوق عمومی دانشگاه آزاد اسلامی نجف آباد، ahmadasgari92@gmail.com

مقدمه:

یکی از ابتدایی ترین و اساسی ترین حقوق اولیه ی هر انسانی برخورداری از محیط زیست سالم و هوای پاک می باشد. لذا هر عاملی که موجب نقص قوانین و ورود صدمه به محیط زیست گردد، عامل زیان با وجود شرایطی باید درصدد جبران خسارت برآید. از آن جایی که یکی از اهداف مهم هر نظام حقوقی حفاظت از محیط زیستی است که انسان در آن زندگی می کند در همین راستا قوانین و مقررات متعددی به منظور جلوگیری از آلودگی و حفظ محیط زیست چه در سطح بین المللی و در سطح داخلی تقنین و به تصویب رسیده است. لذا استفاده از محیط زیست سالم گرچه یکی از حقوق بنیادین افراد است و حفاظت از آن طبق اصل پنجاه قانون اساسی حق و تکلیف همگانی است با این حال حقوق مسئولیت مدنی نیز نسبت به ادای چنین تکلیفی بیگانه نیست. گسترش دامنه ی فعالیت های صنعتی، فنی و کشاورزی در قلمرو سرزمین کشورها آثار مخربی را نه تنها بر محیط زیست آن کشور بلکه بر محیط زیست سایر دول و مشترکات جهانی می گذارد، افزایش نگرانی هایی از این قبیل باعث برانگیخته شدن دولت ها به مقابله با فعالیت های زیان باری از این دست گردیده و موجب تصویب قوانین و مقررات زیادی گردیده است. در چارچوب قوانین داخلی هر چند ماده ی ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی و تبصره های آن و همچنین برخی قوانین دیگر از جمله قانون نحوه ی جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴ و اصلاحی ۱۳۸۳ ضمن جرم انگاری عمل آلوده کنندگان هوا مجازات های متنوعی را پیش بینی نموده و صراحتاً نیز جرم مستقلی به نام جرم محیط زیستی پذیرفته شده، اما با این وجود به سختی می توان دولت را مسئول جبران خسارت های مادی و معنوی ناشی از آلودگی های هوا دانست. مسئولیت مدنی در معنای گسترده هم مسئولیت قراردادی و هم مسئولیت غیر قراردادی را شامل می شود. مسئولیت مدنی عبارتست از الزام شخص یه جبران خسارتی که در نتیجه ی عمل متناسب و مرتبط به او به دیگری وارد آمده است (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ص ۱۱۲). امروزه بحث مسئولیت در رابطه با تمام اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی مطرح می شود و در حقوق ایران با تصویب قانون مسئولیت مدنی در سال ۱۳۳۹ صراحتاً مسئولیت مدنی دولت در قبال زیان های وارده به اشخاص به وسیله ی اعمال تصدی دستگاه های اداری پذیرفته شده است (امامی، استوار سگری، ۱۳۸۷، ص ۶۲). در نظام حقوقی ما مسئولیت مدنی دولت بعضاً مبتنی بر تقصیر است و در مواردی نیز مبتنی بر نظریه ی خطر و مسئولیت بدون تقصیر است (امامی، استوار سگری، ۱۳۸۷، ص ۶۵). در این مکتوبه پرداختن به مبنای مسئولیت مدنی دولت در قبال خسارت های زیست محیطی مورد بررسی و چالش قرار گرفته و ضمناً سعی می شود تا مفهوم کلی از حقوق و تکالیف دولت در قبال خسارات ناشی از آلودگی هوا و به بررسی راه حل های موجود پرداخته شود.

۱-۱- مبانی مسئولیت مدنی دولت در قبال آلودگی های زیست محیطی قابل انتساب به دولت:

عمده ی مبانی ایجاد مسئولیت مدنی در این دسته از آلودگی ها، در حقوق خصوصی مطرح اند که قدیمی ترین آن ها نظریه ی تقصیر است. در عالم حقوق، مبانی مسئولیت مدنی زیست محیطی، موضوع نظریات متعددی قرار گرفته است که هر کدام مبتنی بر فلسفه ی خاص و ویژه ی خود است. این نظریات به خصوص در حقوق داخلی مبتنی بر سه دیدگاه (سنتی)، (جدید) و (بینابینی) است که شامل نظریه ی مبتنی بر خطر، نظریه ی مبتنی بر تقصیر و نظریه های مختلط می گردد. قابل ذکر است که مبانی موجود در مسئولیت مدنی زیست محیطی ملهم از مبانی مطرح در باب مسئولیت مدنی است و نمی تواند خارج از آن باشد، منتهی در باب مباحث زیست محیطی مبنای مناسب تر را باید برگزید (شمسایی، ۱۳۹۱)

۱-۱-۱ نظریه ی تقصیر:

در حقوق رم مبنای تقصیر به عنوان مبنایی برای مسئولیت پذیرفته شده بود (Morandiere, 1966, p. 313) مبنای نظریه ی تقصیر این بود که انسان در جایی مسئولیت دارد که احساس ناراحتی وجدان کند و از نظر اخلاقی مسئول باشد. (Walker, 1980, p. 110)

در این مورد بین مسئولیت کیفری و مسئولیت مدنی وحدت مبنا بود. سر انجام در سال ۱۸۰۴ میلادی قانون مدنی فرانسه تحت تاثیر اندیشه های حقوقی دو حقوقدان عهد کهن این کشور یعنی دوما (۱۶۹۷-۱۶۲۷) و پوتیه (۱۶۹۵-۱۷۷۲) استاد حقوق دانشگاه اورلئان تدوین شد (کارتین، الیورت: کاترین ورنون، ۱۳۸۲، ص. ۸۳) قانون مدنی فرانسه بخش تعهدات و حقوق قرارداده را از حقوق رم در قوانین دنیا راه یافت (prosser, 1964, p. 371)

در آغاز، تقصیر جنبه ی شخصی داشت، اما رفته رفته معیاری نوعی به خود گرفت و رفتار انسانی متعارف برای سنجش میزان خطا و در نهایت مسئولیت در نظر گرفته شد. البته برای شناسایی عمد مرتکب، معیار شخصی تنها راه احراز آن است و این حکم از ماهیت ویژه ی عمد ناشی بوده و استثنایی بر آنچه گفته شد تلقی نمی شود. (اصلائی، ۱۳۸۴، ص. ۷۹) پس از پذیرش امکان مسئولیت دولت نسبت به زیان های وارده به اشخاص، تقصیر، نخستین معیاری بود که پذیرفته شد. البته نسبت دادن خطا و تقصیر به دولت صحیح نیست، چون دولت شخصیت حقیقی ندارد که از خود اراده ای داشته باشد و در عالم واقع، زیان وارده به افراد که به دولت ربط داده می شود، زبانی است که توسط مستخدمان دولت وارد می شود. (زرگوش، ۱۳۸۹، ص. ۳۵۲) و این نوعی ارفاق است که ما بعضی خطاها و تقصیرات کارمندان را به گردن دولت می اندازیم. (طباطبایی موتمنی، ۱۳۸۶، ص. ۳۸۷-۳۸۸)

این نظریه، سنتی ترین نظریه در مسئولیت مدنی زیست محیطی است. بر این اساس خسارات زیست محیطی قابل مطالبه نیست مگر این که بتوان تقصیر عامل ورود خسارت را اثبات نمود. بنابراین زیان دیده اگر بتواند ثابت نماید که عامل زیان در وارد آمدن خسارت تقصیر داشته، مسئول خواهد بود. (کاتوزیان، ۱۳۷۱، ص. ۱۴). این نظریه که تقریباً رویکرد شایع در رژیم مسئولیت مدنی حقوق ایران و اکثر نظام های حقوقی، نظیر فرانسه است با مبانی و فلسفه ی حقوق محیط زیست فاصله دارد. مطابق مواد ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ قانون مدنی فرانسه مطالبه ی خسارت و مسئول شناختن عامل زیان منوط به اثبات تقصیر عامل زیان است. (Priour, 2004, p. 921)

هر چند نظریه ی تقصیر در برقراری در رابطه ی سببیت و اسناد عرفی زیان به فاعل نقش بازی می کند ولی نمی تواند مبنای جامعی باشد. در واقع پذیرش این نظریه امکان جبران بسیاری از خسارات زیست محیطی را دشوار می نماید چرا که اثبات تقصیر در خسارات زیست محیطی بر خلاف سایر حوزه ها مشکل است که این امر بیشتر ناشی از ماهیت خسارت زیست محیطی، تکرر آلوده کنندگان یا (آلوده کنندگان متعدد) ۲، انگیزه ی پایین قربانیان خسارات زیست محیطی و مشکلات مربوط به اثبات رابطه ی سببیت است (بابایی مقدم، ۱۳۸۴، ص. ۵۳).

برای جبران زیان وارده، خواهان می بایست تقصیر اداره و رابطه علیت میان ضرر و رفتار اداره ی دولتی را به اثبات برساند. احراز این رابطه در بدو امر، ساده به نظر می رسد، اما در عمل، خواهان به دشواری امکان اثبات می یابد، چرا که ماموران دولت، افرادی هستند که ممکن است به هنگام انجام وظایف اداری خود مرتکب رفتار خطا کارانه ای شوند که گاه کاملاً با اعمال اداری آنان

² Multiple polluters

بی ارتباط است. در نتیجه نمی توان زیان وارده را به دولت منتسب کرد. (یوسفی فر، ۱۳۸۱، ص. ۱۱۶) بنابراین طبق مضمون ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹ اگر زیان های وارد شده به محیط زیست نتیجه ی رفتار عمدی یا خطای مستخدم باشد، خود مستخدم مسئول پرداخت زیان هاست ولی هرگاه این زیان ها از کمبود، نارسایی و نقص وسایل اداری ریشه گرفته باشد، اداره مسئول پرداخت خسارت خواهد بود. واقعیت این است که علاوه بر نقص وسایل اداری، جبران خطاهای ناشناخته نیز به وسیله ی دولت صورت می گیرد (زرگوش، ۱۳۸۹، ص. ۱۷۴)

تصور کنید که شهرداری، در یک مراسم یا جشن ملی یا محلی، توسط کارکنان خود و با تجهیزاتی که در اختیار دارد، اقدام به آتش پرانی می کند و در این حین، در اثر اصابت بخشی از این مواد اشتغال زا با جنگلی که در آن اطراف است، آتش سوزی ایجاد می شود و بسیاری از درختان آن جنگل از بین می روند، بی آن که بتوان مشخص کرد که آن مواد از کدام اسلحه و توسط کدامیک از ماموران شهرداری، پرتاب شده است. از آنجا که در این موارد، مقام عمومی که بتوان عمل خطاکارانه را به او نسبت داد، وجود ندارد و زیان مربوط به کارکرد ناقص نظام خدمت عمومی است، مسئولیت بر دوش دولت بار می شود. نظریه ی تقصیر بر آرای دادگاه اروپایی حقوق بشر نیز تاثیرات فراوانی داشته است. در یک دادرسی بی سابقه^۳ دادگاه اروپایی حقوق بشر تقصیر دولت روسیه را در عدم جلوگیری از آلودگی یا اصلاح آلودگی ناشی از کارخانه ی فولاد اعلام کرد. این پرونده که توسط یک زن روسی مطرح شد، به پرداخت ۶۰۰۰ یورو در حق آن زن منجر گردید.

(the European court of human right; 2013)

در پی شکایت گروهی علیه دولت اکراین، مبنی بر این که به دلیل عملکرد معدن زغال سنگ و کارخانه ای در نزدیکی آن ها، به سلامتی و خانه های آن ها ضرر وارد شده، دادگاه اروپایی حقوق بشر رای به تخلف از ماده ی ۳ میثاق اروپایی حقوق بشر (احترام به زندگی خصوصی و خانوادگی و خانه ی افراد) داد و دولت را مسئول جبران خسارت وارده به خواهان ها دانست (the European court of human right, 2014)^۴

به موجب ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹، زیان های ناشی از اعمال حاکمیت، قابلیت جبران الزامی توسط دولت را ندارند، چرا که در ایجاد این گونه زیان ها تقصیری متوجه دولت نیست. از آن جا که این نظریه موجب جبران نشدن بسیاری از خسارات می شود، باید به موارد مذکور در نص اکتفا شود و از تفسیر موسع آن جلوگیری به عمل آید، یعنی دولت وقتی از پرداخت خسارت معاف باشد که در مقام اعمال حاکمیت باشد و آن عمل بر حسب ضرورت، برای تامین منافع اجتماعی و طبق قانون به عمل آید (طباطبایی موتمنی، ۱۳۸۶، ص. ۳۹۲-۳۹۰). به نظر برخی، دولت باید مسئولیت زیان های وارده به اشخاص را که به واسطه ی اعمال حاکمیت به وجود می آیند، قبول کند، زیرا قبول حاکمیت از طرف دولت ها یا به دست گرفتن قهری آن خود به منزله ی التزام به همه ی آثار حقوقی ناشی از اعمال حاکمیت است و هیچ نوع قرارداد یا قاعده ی عرفی که دولت ها را در برابر موجبات ضمان معاف نماید وجود ندارد (عمید زنجانی، ۱۳۸۲، ص. ۳۹۲-۳۹۰)

به علت اشکالات و نارسایی های ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی، از زمان دولت هشتم، از سوی اداره ی کل پژوهش و اطلاع رسانی ریاست جمهوری لایحه ی جدیدی در هشت ماده و چهار تبصره در مورد مسئولیت مدنی دولت، تدوین و بعد از جرح و تعدیل به مجلس شورای اسلامی تقدیم شده ولی لایحه ی مزبور هنوز به تصویب نرسیده است (بهرامی حمیدی، ۱۳۹۱، ص. ۵۰۷) پذیرش نظریه ی تقصیر امکان جبران بسیاری از خسارات زیست محیطی را دشوار می نماید. این امر بیشتر ناشی از ماهیت خسارات زیست محیطی، کثرت آلوده کنندگان، انگیزه ی پایین قربانیان خسارات زیست محیطی برای طرح دعواست (مشهدی، ۱۳۹۰، ص. ۳۱۶) همچنین اگر زیان وارده ناشی از آن چیزی باشد که اعمال حاکمیت نامیده می شود، چون در این حوزه ها امکان تحقق تقصیر وجود ندارد، زیان مذکور هرچند هم که گسترده باشد جز با اختیار همان مرجع، جبران نمی شود (قاسم زاده، ۱۳۸۷، ص. ۳۲۵-۳۲۴).

برای جبران خسارت های زیست محیطی از طریق مبنای تقصیر راهکارهایی پیشنهاد شده است، یکی این که چون تقصیر، تجاوز از رفتاری است که شخص متعارف در همان اوضاع و احوال دارد، بنابراین رفتار آلوده کنندگان محیط زیست تجاوز از رفتار

³ Fadeyeva V. Russia (no.55723/00); 9 june 2005

⁴ Dabestska & others V. Ukraine (no.30499/03,10/02/2011)

متعارف است. دیگر این که بگوییم اصل بر تقصیر آلوده کننده محیط زیست است، مگر این که خلاف آن را ثابت کند (انصاری، ۱۳۸۲، ص. ۱۳۲). اما شورای نگهبان در نظریه ی خود در خصوص قانون بیمه ی اجباری اعلام کرد اینکه مسئولیت تنها ناشی از تقصیر باشد خلاف شرع است ۵. به همین دلیل لازم است به سایر مبانی نیز توجه شود که اگر چه ممکن است در آن ها تقصیری متوجه دولت باشد، نیازی به اثبات آن از سوی خواننده نیست و صرف وجود رابطه سببیت بین فعل یا ترک فعل دولت و ورود زیان برای ایجاد مسئولیت کفایت می کند.

۲-۱-۱ نظریات مطرح در راستای مسئولیت مدنی دولت بدون نیاز به اثبات تقصیر:

در این نظریات، ارزیابی ایجاد مسئولیت در آثار عملی صورت گرفته (وقوع زیان) متمرکز است. نظریات موجود در این قسم، مسئولیت محض را تداعی می کنند. آن گونه که از آثار نویسندگان بر می آید، واژه ی مسئولیت محض با واژه های مسئولیت مطلق، مسئولیت عینی و مسئولیت موضوعی مترادف است (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ص. ۵۹۰). برخی آثار بین مسئولیت مطلق و محض تفاوت نهاده شده و آورده اند: مبنا ی مسئولیت مقرر در دستورالعمل مصوب ۲۰۰۴ اروپا مطلق نیست، بلکه مسئولیت محض است. به نظر می رسد که در واقع مسئولیت محض با مسئولیت مطلق تفاوت دارد، زیرا در مسئولیت محض با اثبات قوه ی قاهره می توان خواننده را از مسئولیت معاف کرد، در حالی که در مسئولیت مطلق (مانند مسئولیت غاصب) چنین امکانی وجود ندارد. در مورد آلودگی های محیط زیست به نظر می رسد در جاهایی از قانون که لفظ "ممنوع است" به کار رفته، نهی قانونگذار بیانگر این است که ارتکاب عمل، نیاز به دلیل دارد و در واقع صرف وجود رابطه ی سببیت به اضافه ی وجود زیان برای مسئولیت کفایت می کند و به اثبات تقصیر یا بی مبالاتی خواننده در این فرض نیازی نیست. به عبارت دیگر به دلایلی که قانون گذار پیش بینی کرده و در نهایت انجام عملی را ممنوع اعلام نموده است، اگر شخصی بر خلاف قانون عملی را انجام دهد، صرف انجام

عمل، تقصیر و بی مبالاتی است و عامل زیان باید مسئولیت ناشی از آن را قبول کند (فهمیمی، ۱۳۹۱، ص. ۳۶۵-۳۶۲)

مثلاً در ماده ی ۹ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳ آمده است:

"اقدام به هر عملی که آلودگی محیط زیست را فراهم سازد ممنوع است"

علاوه بر قوانین خاص، در اصل ۵۰ قانون اساسی نیز پیش بینی شده که:

"... فعالیت های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است."

امروزه دست کم در زمینه ی مسئولیت مبتنی بر حقوق عمومی، در تمام کشورهای اتحادیه ی اروپا تقریباً مسئولیت محض مورد پذیرش دکتترین و رویه ی قضایی قرار گرفته است به این صورت که نیاز به اثبات بی مبالاتی عامل زیان نیست و تنها نیاز است که فعل یا ترک فعل زیانبار و رابطه ی آن با ورود ضرر اثبات شود (انصاری، ۱۳۸۲، ص. ۶۶)

در مورد این پرسش که چرا بدون نیاز به اثبات تقصیر عامل زیان، وی موظف به جبران خسارت است، پاسخ های گوناگونی وجود دارد که در ادامه بررسی خواهند شد.

۳-۱-۱ نظریه ی خطر:

یکی از تحولات مهم معاصر در حقوق داخلی، قبول اصل مسئولیت بابت "خطر ایجاد شده" است که به موجب آن هر کس که در جهت کسب منافع با بر خورداری از رفاه دست به اقدامی خطرناک در جامعه بزند مسئول هر حادثه ی ناشی از آن خواهد بود، حتی اگر نتوان هیچ گونه خطا یا غفلتی را به او نسبت داد. این اصل که ریشه در حقوق آلمانی (ژرمانیک) دارد در حقوق داخلی بسیاری از دولت ها، به ویژه دولت های دارای نظام حقوقی غیر نوشته (کامن لا)، جای گرفته و حوادث صنعتی و فعالیت های فوق العاده خطرناک مانند انبار کردن مواد منفجره، عملیاتی که با انفجار همراه است و انفجارهای هسته ای برای مقاصد صنعتی یا حمل و نقل این نوع مواد را در بر می گیرد (آرش پور، ۱۳۹۲، ص. ۲۶)

این نظریه که دکتر سید حسن امامی از آن به نظریه ی علیت یاد کرده اند (امامی، ۱۳۸۵، ص. ۸۵۸).

توسط دو حقوقدان فرانسوی به نام های "ژوسران" و "سالی" مطرح شد و توسعه یافت. طرفداران این نظریه می گویند هر کس که به فعالیتی می پردازد و پیرامون خود محیطی خطرناک ایجاد می کند باید مسئولیت ناشی از ایجاد خطر را تحمل نماید (بهرامی احمدی، ۱۳۹۰، ص. ۶۴).

بین طرفداران این نظریه اختلاف نظرهایی وجود دارد، بدین گونه گروهی اعتقاد دارند که "شخص مسئول در نظریه ی خطر ایجاد شده شخصی است که از استفاده از چیزی نفع می برد و خطر ایجاد شده همان خطر ناشی از انتفاع اوست". عمده ی دستاورد این نظریه اثبات مسئولیت کارفرما در حوادث ناشی از کار است که چون کارفرما از نیروی کار کارگر استفاده ی مادی می برد، مسئولیت مدنی ناشی از کار را نیز باید متحمل شود (باریکلو، ۱۳۸۷، ص. ۴۸-۴۷).

این نظریه تنها قادر به توجیه آن دسته از الزامات دولت است که ناشی از فعالیت های انتفاعی او باشد و همین بین، به خوبی نارسایی این نظریه را نشان می دهد، چرا که هیچ توجیهی برای مسئولیت بدون تقصیری که ناشی از فعالیت های غیر انتفاعی است، ارائه نمی دهد (زرگوش، ۱۳۸۹، ص. ۲۹۲).

ایراد دیگر وارد به این نظریه این است که به همان نسبت که می توان گفت دولت از فعالیت مستخدم سود می برد، پس باید زیان ناشی از آن را هم بپذیرد، می توان گفت این مستخدم است که از استخدام شدن در دستگاه دولتی سود می برد و ریسک ناشی از فعالیت خود را از بدو استخدام باید بپذیرد (زرگوش، ۱۳۸۹، ص. ۳۰۷).

گروه دوم از معتقدان به نظریه ی خطر اشخاصی هستند که معتقدند هر فعالیتی که ذاتاً خطرناک باشد، اگر به زیانی منجر شود، به طور خودکار مسئولیت دولت را به دنبال خواهد داشت، اعم از این که این فعالیت برای او سود مادی به دنبال داشته باشد یا خیر یا این که وی در انجام این فعالیت و ایجاد خطر تقصیری مرتکب شده باشد یا نشده باشد، بنابراین هرگاه فعالیت خواننده ی دعوا از نظر جامعه غیر عادی و نامتعارف باشد و برای دیگران خطری ایجاد کند، شخص، مسئول پرداخت خسارت خواهد بود (حکمت نیا، ۱۳۸۶، ص. ۷۶).

از دید برخی این نظریه، ریشه در تقصیر دارد و می توان استدلال کرد که ایجاد خطر خود نوعی تقصیر است. ایشان برای اثبات ادعای خود به ماده ی ۱۶۲-۱ از کد محیط زیست فرانسه استناد می کنند که با قراردادن معنا دار دو واژه ی "خطر" و "تقصیر" در کنار هم، به طور تلویحی، خطر را نیز نوعی تقصیر دانسته است. به موجب این ماده:

خسارات زیر مطابق روش های معین شده در این سر فصل، جبران می شود:

خسارات وارده بر محیط زیست بر اثر فعالیت های حرفه ای که فهرست آن ها مطابق مصوبه ی پیش بینی شده در ماده ۲-۱۶۵ تعیین گردیده و همچنین بر فرض عدم وجود خطر یا بی مبالاتی (تقصیر) بهره بردار (زرگوش، ۱۳۸۹، ص. ۲۸۰). امروزه نظریه ی خطر، نظریه ای مناسب برای جبران خسارت زیست محیطی است و می تواند نقش بسیار مهمی در تقویت حمایت از محیط زیست داشته باشد. در واقع آلوده کننده ی محیط زیست بر اساس این نظریه "مسئولیت عینی" پیدا می کند، لیکن این دیدگاه نیز از جنبه های گوناگونی مورد انتقاد قرار گرفته است مثلاً اعتقاد به این نظر موجب افزایش ریسک فعالیت اقتصادی و کاهش انگیزه ی افراد در اجتماع برای انجام فعالیت های گوناگون می شود (فهیمی، ۱۳۸۶، ص. ۱۳۴-۱۳۳). از عملکرد دولت ها چنین استنباط می شود که قبول اصل مسئولیت مدنی مبتنی بر خطر، اصولاً بر اساس شرایط از پیش تعیین شده در موافقت نامه های بین المللی می باشد. عملکرد مزبور نشان می دهد که هدف دولت ها ایجاد تعهد در مورد اجتناب از فعالیت های خطرناک، تقلیل میزان این فعالیت ها و جبران خسارت در صورت وارد آمدن زیان یا لطمه است. به هر حال، این واقعیت که دولت ها اصل مسئولیت مدنی مبتنی بر خطر را در موافقتنامه های بین المللی پذیرفته اند به تدریج می تواند بر شکل گیری قواعد مسئولیت بین المللی در این زمینه تاثیر بگذارد (آرش پور، ۱۳۹۲، ص. ۳۰).

۱-۴ نظریه ی نفی ضرر:

بر اساس این نظریه که مبین مفاد حدیث لاضرر است: در اسلام از طرف شارع هیچ حکم ضرری وضع نشده است. بنابراین ضرر زدن به دیگران نیز جایز نیست. از این رو آلوده ساختن محیط زیست و تخریب و نابود کردن طبیعت و منابع طبیعی از روشن ترین نمونه های زیان زدن به دیگران است که اسلام آن را نفی کرده است، ضمناً قاعده ی لاضرر مشمول امور عدمی نیز می شود (بهرامی احمدی، ۱۳۹۰، ص. ۷۲). بنابراین چنانچه ترک اقدام های اصلاحی و سازنده هم به اضرار در محیط زیست

بینجامد، این قاعده با آن مقابله خواهد کرد. از جمله نتایج مترتب بر شمول قاعده بر امور عدمی، اثبات ضمان است. این قاعده نه تنها مانع از اضرار به محیط زیست می شود، بلکه ضمان خسارت های ناشی از فعالیت های آلوده کننده یا ترک اقدام اصلاحی را هم بر عهده خسارت زنده قرار می دهد (فخعلی، ۱۳۸۴، ص. ۵۴).

۱-۵ نظریه ی احترام اموال :

منظور از این نظریه این است که مال یا عمل انسان نباید مجانی مورد استفاده ی دیگری قرار گیرد (بهرامی احمدی، ۱۳۸۸، ص. ۴۵)

این قاعده از حدیث نبوی سرچشمه می گیرد که فرموده اند:

"ساب المومن فسوق و قتاله کفر و اکل لحمه من معصیه الله و حرمه ماله کحرمه دمه"

ناسزا گفتن به مومن گناه، قتل او کفر، غیبت او از معاصی و احترام مال او مثل احترام خون اوست (حرعاملی، ۱۴۱۴، ص. ۱۴۷) امام خمینی (ره) در مورد احترام مال مومن می گویند: که هدر نبودن خون مومن که به عنوان ضمانت اجرا، متناسب با شرایط برای آن قصاص یا دیه تعیین شده، می رساند که همین ضمانت اجرا در مال مومن نیز وجود دارد. بنابراین اگر کسی مال مومن را تلف کند، ضامن خواهد بود (فهیمی، ۱۳۹۱، ص. ۱۷۰) برای تمسک به این نظریه باید ثابت کرد که محیط زیست و عناصر آن مال محسوب می شوند. از این رو تعریفی از مال ضروری است:

از نظر لغوی مال را چنین تعریف کرده اند: "المال ما یبدل بازائه المال" مال چیزی است که در مقابل آن مال داده شود (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹، ص. ۳۰).

طبق این تعریف عناصر و اجزای محیط زیست مال محسوب می شوند، چرا که نیازهای معیشتی افراد به وسیله ی آن ها تامین می شود. همچنین از آن جا که بسیاری از عناصر محیط زیست جز انفال هستند، روشن شدن حکم مالیت و مالکیت انفال، مویدی بر مالیت عناصری از محیط زیست که قابل قیمت گذاری هستند نیز خواهد بود. با استناد به قرآن ۶ و روایات انفال مال پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) است و آنان به هر نحو که صلاح بدانند، می توانند در آن تصرف کنند. طبق اصل ۴۵ قانون اساسی انفال "... در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آن ها عمل نماید. تفصیل و ترتیب استفاده از هر یک را قانون معین می کند"

امام صادق (ع) می فرمایند:

"اذ کان المالك للنفوس و الاموال و سائر الاشیا الملك الحقیقی و کان ما فی ایدی الناس عواری" (مجلسی، ۱۴۰۴، ص. ۱۹۲)

"از آن جا که مالکیت حقیقی بر نفوس و اموال و سایر اشیا از آن خداست، مالکیت آن چه مردم در دست دارند، به صورت عاریه است"

این مالکیت اعتباری در فقه به سه نوع تقسیم می شود:

یکم، مالکیت امام (حکومت اسلامی)، دوم، مالکیت عموم مسلمین، مالکیت خصوصی (فهیمی، ۱۳۹۱، ص. ۱۰۸)

اموال و مشترکات عمومی، اموالی هستند که متعلق به عموم هستند و مالک خاصی ندارند (صفایی، ۱۳۹۰، ص. ۱۰۸) و دولت تنها از جهت ولایتی که بر عموم دارد می تواند آن ها را اداره کند. از آنجا که عناصر و اجزای محیط زیست نیز چنین ویژگی هایی دارند، در زمره ی اموال و مشترکات عمومی قرار می گیرند و دولت به عنوان امین مردم در جهت تامین منافع عمومی باید از مواهب طبیعی مراقبت کند و از آلودگی و تخریب محیط زیست جلوگیری به عمل آورد. توصیه ی امام علی (ع) به مالک اشتر نیز موید همین مطلب است: "باید بیش از تحصیل خراج در اندیشه ی آبادانی زمین باشی، زیرا خراج حاصل نشود مگر به آبادانی زمین، و هر که خراج طلبد و زمین را آباد نسازد، شهرها و مردم را هلاک کرده است و کارش استقامت نیابد مگر اندکی" ۷

بنابراین می توان اقدامات آلوده کننده ی دولت را رفتاری مغایر با زمامداری و تخلف از ید امانی دانست. پس از اثبات مالیت

^۶ یستلونک عن الانفال قل الانفال لله و الرسول (انفال: ۱)

^۷ نهج البلاغه، نامه ۵۳

عناصر محیط زیست، طبق نظر برخی حقوقدانان، بهترین مبنا در باب مسئولیت مدنی و به تبع آن جبران خسارت های زیست محیطی، نظریه ی احترام اموال است (فهیمی، ۱۳۹۱، ص. ۱۷۵).

بر اساس این نظریه که جامع دو نظریه ی اتلاف و لاضرر است، مادامی که بتوان رابطه ی سببیت را بین فعل یا ترک فعل عامل زیان و زیان وارده ثابت کرد، عامل زیان طبق قاعده ی اتلاف، مسئول جبران زیان است و در مواردی که اسناد بین زیان و زیانکار وجود دارد، ولی رابطه ی سببیت به دلیل دخالت فاعل مختار، محقق نیست، مسئول جبران ضرر فاعل مختار است و چنان چه واسطه بین عامل زیان و زیان، چیزی غیر از فاعل مختار باشد، در این موارد قاعده ی لاضرر حاکم خواهد بود و عامل زیان مسئول است تا زمانی جبران نشده باقی نماند (فهیمی، ۱۳۹۱، ۱۷۶-۱۷۵).

بنابراین چنان چه در اثر دودی که از یک کارخانه منتشر می شود، تعدادی از گوسفندان یک نفر که در آن محل چرا می کنند، تلف شوند، بر اساس قاعده ی اتلاف می توان کارخانه را مسئول شناخت، زیرا در این جا رابطه ی سببیت به وضوح بین اقدامات کارخانه و تلف شدن گوسفندان برقرار است، ولی اگر صاحب گله بدون اطلاع از بیماری سایر گوسفندان یکی از آن ها را ذبح کند و در اثر خوردن گوشت این گوسفند بیمار شود، این زیان باید بر اساس قاعده ی لاضرر توسط کارخانه جبران شود، چرا که بیماری شخص ناشی از خوردن گوشت آلوده است و به طور مستقیم ناشی از اقدامات عامل مختار نیست. این نظریه با توجه به این که عناصر محیط زیست را مال می داند، نظریه ی مناسبی برای جبران خسارت های زیست محیطی است، هر چند در نهایت بازگشت آن نیز به قاعده ی لاضرر است. همان طور که بیان گردید، طرفداران این نظریه بین قاعده ی اتلاف و لاضرر می دانند، اما به نظر می رسد در جایی که شخصی بر اساس قاعده ی اتلاف مسئول جبران ضرر شناخته می شود نیز مسئولیت او به دلیل ضرری است که به دیگری وارد آورده است و در نتیجه قاعده ی لاضرر می تواند توجیه مناسبی برای مسئولیت وی به شمار آید. پاره ای از نظریات موجود در مسئولیت بدون نیاز به اثبات تقصیر دولت از نظر گذشت، لیکن شایان ذکر است که اگرچه این نظریات به دلیل رفع ایرادات وارده بر نظریه ی تقصیر پا به عرصه ی وجود گذاشت، اعمال بی چون و چرای آن نیز علاوه بر این که قدرت بازدارندگی مسئولیت مدنی را کاهش می دهد، سبب افزایش هزینه های دولت نیز می شود (زرگوش، ۱۳۸۹، ص. ۳۹۰-۳۸۹).

اما در مجموع برای جبران خسارت های زیست محیطی، محاسن آن از معایبش بیشتر است، در عین حال راه حل میانه برای جبران خسارت های زیست محیطی و اجتناب از معایب نظریه ی تقصیر و بدون تقصیر وجود دارد که در انتها به شرح آن خواهیم پرداخت. آن چه به طور بارز به عنوان وجه تمایز بین مسئولیت مدنی دولت و مسئولیت مدنی در حقوق مطرح است، الزام دولت به جبران ضررهایی است که هیچ ارتباطی به او ندارند، این که بر چه اساس دولت خود را ملزم به جبران چنین زیان هایی می داند در ادامه بررسی خواهد شد. مبانی مسئولیت مدنی دولت در قبال آلودگی های زیست محیطی غیر قابل انتساب به دولت در پاسخ به چرایی این نوع مسئولیت نظریات متفاوتی بیان شده است که تنها به ذکر دو مورد اکتفا می شود.

۱-۶ نظریه ی خدمت عمومی :

این نظریه عبارتست از مجموعه وظایف و اختیاراتی که به وسیله ی آن، به نیازمندی های عمومی پاسخ داده می شود (زرگوش، ۱۳۸۹، ص. ۳۵۲).

به عبارت دیگر، خدمت عمومی کارهای عام المنفعه ای است که دولت و سازمان های عمومی برای برآورده ساختن نیازهایی که مرتبط با نفع عمومی است، انجام می دهند. (زرگوش، ۱۳۸۹، ص. ۳۵۲-۳۵۳).

مانند ساختن پارک ها و فضای سبز. آنچه موجب ملزم دانستن دولت نسبت به چنین اعمالی می شود، همان الزامی است که موجب برخورداری گسترده او از معافیت ها، مصونیت ها و امتیازات ترجیحی شده است (زرگوش، ۱۳۸۹، ص. ۳۵۳).

در مواقعی که خسارت های زیست محیطی قابل جبران به وسیله ی عامل زیان نیستند یا اصلاً فاعل مختاری در ایجاد ضرر نقش نداشته، ضروری است که دولت در راستای تأمین منافع عمومی خسارت های ایجاد شده را جبران کند. شاید تصور شود که استفاده از نظریه ی خدمات عمومی می تواند توجیه مناسبی برای الزام دولت به جبران آلودگی های زیست محیطی غیر قابل انتساب به او باشد، اما واقعیت این است که خدمت عمومی چهره ی غیر مالی دارد (زرگوش، ۱۳۸۹، ص. ۳۵۶).

بنابراین قانونمند ساختن الزام دولت به جبران خسارت های زیست محیطی در چنین شرایطی، با تمسک به این مبنا قابل توجیه نخواهد بود.

۷-۱-۱ نظریه ی استحقاق:

طبق این نظریه آنچه مسئولیت مدنی را به دنبال دارد، محروم کردن یا محروم شدن شخصی از استحقاق است و استحقاق نیز عبارت از حقی است که دولت درصدد تامین، تضمین و تحقق حتمی آن نسبت به اشخاص است و محرومیت اشخاص از این استحقاق الزام آور است (زرگوش، ۱۳۸۹، ص. ۳۶۲).

برای شکل گیری استحقاق دومارحله نیاز است، مرحله ی اول به رسمیت شناختن حقی توسط قانونگذار است و مرحله ی دوم این است که قانونگذار به دستگاه مجریه اجازه می دهد که اعمال یا گستره ی استحقاق را مشخص کند (زرگوش، ۱۳۸۹، ص. ۳۶۳).

این که قانونگذار با استفاده از قوانین مختلف سعی در حفاظت از محیط زیست و مجازات تخریبگران آن را دارد، به خوبی گویای این واقعیت است که حق بر خورداری از محیط زیست سالم را به عنوان یک حق همگانی به رسمیت می شناسد و حفاظت از آن را طبق اصل ۵۰ قانون اساسی وظیفه ی عمومی می داند. اختصاص دادن اصلی از قانون اساسی به حفاظت از محیط زیست موید اهمیت فراوان این موضوع در جمهوری اسلامی ایران است. مقررات متعددی که از سوی قوه ی مجریه برای اجرای بهتر قوانین زیست محیطی وضع شده نیز در راستای شرح جزئیات حمایت از این حق بنیادین است. بنابراین اگر بگوییم چنان چه زیان وارده به وسیله ی عامل زیان قابل جبران نبود، دولت باید با بخشندگی خود جبران خسارت کند تا به این وسیله از حقی که ملت را مستحق آن می داند حمایت نماید، سخنی به گزافه نیست، چرا که تحمل چنین هزینه هایی برای دفع مفسده ای بزرگ نه تنها عاقلانه است، بلکه با سیاست های کلی نظام نیز هماهنگ است.

۱-۲-۱ انتخاب مبنایی مناسب برای مسئولیت مدنی دولت در جبران خسارت های زیست محیطی:

اصولاً مسئولیت بر یکی از دو مبنای خطا یا خطر قرار دارد. "مسئولیت بین المللی مبتنی بر خطا عبارت از تعهدی است که یک دولت به علت عدم اجرای تعهدات بین المللی خود در قبال دولت یا دولت های دیگر برای جبران خسارت وارد شده پیدا می کند. به عبارت دیگر مقررات مسئولیت به وقوع اعمال غیر قانونی و آثار حقوقی این اعمال مربوط می گردد" (بهرام مستقیمی، مسعود طارم سری، ۱۳۷۷، ص. ۱۰۰).

البته لازم به یادآوری است که معمولاً تعهدات بین المللی یا به صورت فعلی یعنی تعهد بر انجام عمل یا اعمال خاصی یا به صورت ترک فعل یعنی تعهد بر خودداری از انجام عمل یا اقدامات خاصی گرفته است (رئیس، ۱۳۸۹، ص. ۵۹). در انتخاب مبنایی برای جبران خسارت های زیست محیطی به وسیله ی دولت، بهتر است بین چند فرض تفکیک قائل شد:

در فرضی که ورود زیان قابل انتساب به دولت است، بهترین راه معتقد شدن به مسئولیت محض در راستای قاعده ی لاضرر یا احترام اموال که آن هم در نهایت به قاعده ی لاضرر منتهی می شود، یعنی در وهله ی اول زبانی که در اثر عملکرد مقام عمومی یا نقص وسایل اداری به محیط زیست وارد می شود، توسط دولت جبران شود و در نهایت برای حفظ جنبه ی بازدارندگی مسئولیت مدنی و کاهش هزینه های دولت چنان چه تشخیص داده شود که زیان در نتیجه ی رفتار نامتعارف مقام عمومی حاصل شده است، دولت غرامت پرداختی را از او دریافت کند. با این شیوه خسارت های زیست محیطی بهتر جبران می شود و مسئولیت مدنی نیز جنبه ی بازدارندگی خود را حفظ می کند و هزینه های دولت نیز بی رویه افزایش نمی یابد. اما در فرضی که زیان قابل انتساب به دولت نیست، برای مثال زمانی که عامل زیان قادر به پرداخت غرامت نباشد یا شناسایی نشود یا اصلاً فاعل مختاری در ورود ضرر نقش نداشته باشد، نظر به اهمیت فراوان محیط زیست، بهتر است دولت وارد عمل شود و بر اساس نظریه ی استحقاق، جامعه را از تحمل آلودگی های محیط زیست برهاند، زیرا همان طور که گفته شد، حق بر خورداری از محیط زیست حق همگانی است که در قوانین و مقررات مختلف مورد حمایت قرار گرفته است و این نشان می دهد که دولت ایران خود را موظف دانسته که از هر طریقی دستیابی مردم به این حق را تضمین کند و جبران خسارت های زیست محیطی نیز یکی از همان راه هاست (مشهدی، ۱۳۹۰، ص. ۵۷).

اما مسئولیت بین المللی مبتنی بر خطر عبارتست از مسئولیت دولت‌ها در قبال زیان‌های ناشی از اعمالی که حقوق بین الملل آن‌ها را منع نکرده است.^۹ مبنای تمایز میان مسئولیت ناشی از اعمال متخلفانه^۸ و مسئولیت ناشی از اعمال منع نشده^۹ این است که لازمه‌ی مسئولیت نوع اول ارتکاب عملی است که حقوق بین الملل را نقض کرده باشد و حال آن که نوع دوم به آثار زیان‌آور ناشی از فعالیت‌هایی که فی‌نفسه حقوق بین الملل را نقض نمی‌کند، مربوط می‌شود^{۱۰} (والاس، ۱۳۸۲، ص. ۲۵۳). در حقوق بین الملل سنتی اصولاً مسئولیت دولت‌ها فقط مبتنی بر خطا بود، یعنی فعل یا ترک فعل‌های مغایر با تعهدات بین المللی. لیکن به تدریج با توسعه و رشد تکنولوژی دولت‌ها اعمالی را انجام می‌دهند که اصولاً این اعمال از نظر حقوق بین الملل ممنوع نمی‌باشند، اما موجب ورود خسارات فراوانی به سایر کشورها می‌گردند. برای جبران خسارات ناشی از این گونه اعمال به تدریج مسئولیت مبتنی بر خطر پذیرفته شده است. قواعد هلسنکی مورخ ۱۹۶۶ وظیفه‌ی جلوگیری از هر شکل جدید آلودگی آب یا هرگونه افزایش میزان فعلی آلودگی را که سبب زیان اساسی به حوزه‌ی آب‌های مشترک دولت‌ها گردد را بر عهده‌ی دولت‌های عضو می‌گذارد. همین‌طور این نوع مسئولیت در ماده ۲ "طرح مواد مربوط به آلودگی دریا ناشی از قاره‌ی اروپا" مربوط به سال ۱۹۷۲ نیز دیده می‌شود. در ماده‌ی ۳ قواعد مونترال در مورد آلودگی برون مرزی نیز مسئولیت مبتنی بر خطر پذیرفته شده است (بهرامی مستقیمی، مسعود طارم سری، ۱۳۷۷، ص. ۳۰).

۲-۲-۱ نحوه‌ی جبران خسارت:

حمایت از زیان دیدگان در برابر آثار خطرناک ناشی از آلودگی‌های جوی و الزام به جبران خسارات ناشی از آلودگی هوا هدف اصلی رژیم‌های مسئولیت مدنی در این حوزه است. به‌دیگر سخن، مسئولیت‌های مدنی در این حوزه به چگونگی و نحوه‌ی جبران خسارات ناشی از آلودگی می‌پردازند. با توجه به میزان روزافزون خسارات ناشی از آلودگی هوا به ویژه بر اموال، اشخاص و سایر عناصر محیط زیست ما نیازمند تحول جدی در مبنای حقوقی مسئولیت در این زمینه پیش‌بینی ضمانت‌های ویژه‌ی خسارات زیست محیطی هستیم. در این جا این سوال اساسی مطرح است که آیا می‌توان در رژیم کنونی حاکم بر مسئولیت مدنی با تمسک بر ضمانت‌ها و قواعد رایج در حقوق مسئولیت مدنی به جبران خسارات ناشی از آلودگی هوا پرداخت؟ و سوال اساسی‌تر این که چگونه و تحت چه شرایطی امکان اعمال ضمانت‌های مدنی برای مقابله با آلودگی هوا وجود داشته و چه مشکلات و موانعی در این خصوص قابل بررسی است؟^{۱۱}

پیش فرض اساسی این است که امکان جبران خسارات ناشی از آلودگی هوا به دلیل ماهیت و ویژگی‌های خاص این قسم از آلودگی‌ها کمتر توسط حقوق مسئولیت مدنی حمایت می‌شود و در بسیاری از موارد با توجه به اصول و قواعد حقوقی حاکم بر حقوق مسئولیت مدنی به ویژه در نظام‌های ملی که مسئولیت مدنی زیست محیطی را هنوز بر مبنای نظریه‌ی تقصیر استوار نموده‌اند بسیاری از خسارات حاصل از آلودگی هوا به مرحله‌ی جبران خسارت نمی‌رسد و بسیاری از آن‌ها جبران نشده باقی می‌ماند. لذا حقوق مسئولیت مدنی در زمینه‌ی جبران خسارات ناشی از آلودگی هوا با چالش‌های جدی مواجه است و در زمینه‌ی اعمال ضمانت‌های مدنی عرصه‌ی محدودی وجود دارد که این امر مستلزم تصویب قوانین ویژه ۱۰ و نیازمند تحول اساسی در رژیم حقوقی حاکم بر مسئولیت‌های مدنی زیست محیطی و شکل‌دهی قواعد خاص حاکم بر مسئولیت مدنی ناشی از این قسم آلودگی‌هاست. ۱۱ ضمانت‌های مدنی مقابله با آلودگی هوا از دوجنبه قابل بررسی است (مشهدی، ۱۳۹۰، ص. ۵۸).

یکی پیش‌بینی آن در قراردادهای که به دنبال آن بحث "مسئولیت مدنی" مطرح می‌شود و شامل آن دسته از تعهدات و شروط زیست محیطی می‌شود که در قراردادهای به ویژه قراردادهای عمرانی پیش‌بینی گردیده است و دیگری ضمانت‌های ناشی

responsibility^{۱۰}
liability^{۱۱}

^{۱۰} لزوم این امر در اصل سیزدهم اعلامیه ۱۹۹۲ ریو مورد تأکید قرار گرفته است. "کشورها باید قوانین ملی در خصوص مسئولیت ناشی از خسارات آلودگی و دیگر صدمات وارده بر محیط زیست و پرداخت غرامت به قربانیان این خسارات را تدوین کنند..."

^{۱۱} تحول در نظام حقوقی مسئولیت مدنی زیست محیطی در فرانسه (برخلاف ایران) و تحت تأثیر دستورالعمل ۲۰۰۴ اتحادیه اروپا در زمینه‌ی مسئولیت زیست محیطی، با تصویب قانون خاص در زمینه‌ی جبران خسارات زیست محیطی در اوت ۲۰۰۸ پدیدار شد.

از "مسئولیت قهری" ۱۲ می شود که مربوط به آن دسته از اقدامات آلاینده ای می گردد که به موجب قانون نسبت به آن ها دعوی مسئولیت مدنی مطرح و به دنبال آن بحث جبران خسارات ناشی از آلودگی هوا به میان می آید.

۳-۲-۱ نتیجه گیری:

محیط زیست و صدمات وارده بر آن از مهم ترین دغدغه های جامعه ی بین المللی است و حقوقدانان به دنبال دست یابی به راهکارهای ثمر بخش برای کاهش خسارات وارد بر آن هستند. یکی از این گام های موثر، مبحث مسئولیت مدنی است. خسارات زیست محیطی عبارتست از خساراتی که به اشخاص و اشیا محیط پیرامون زندگی انسان وارد می شود. برخی دیگر نیز این نوع خسارات را شامل خسارت های وارد بر اموال و اشخاص و خسارت به خود محیط زیست می دانند که در آن تعادل زیست محیطی بر هم می خورد. لذا قربانیان این نوع خسارات می توانند طرح دعوا کرده و جبران خسارت نمایند و آلودگی هوا نیز به معنی وارد کردن مستقیم یا غیر مستقیم مواد، فرآورده ها، اورگانیزم ها و میکرواورگانیزم ها به هواست که تاثیر زیان باری بر سلامت انسان ها دارد. مسئولیت مدنی در خسارات زیست محیطی یکی از تاسیسات نوین حقوقی است که به طور روز افزون ذهن حقوقدانان خصوصی و قانونگذاران را به خود معطوف ساخته است. امروزه با توجه به این که آلودگی در حقوق ایران بسیار زیاد گردیده است، این امر موجب بسیاری از خطرات و زیان ها از جمله صدمات مالی فراوان و صدمات به سلامتی جبران ناپذیر گردد. پیش بینی قواعد و قوانینی مناسب در این زمینه امری بسیار ضروری و حیاتی است. یکی از عوامل اساسی در حیات و زندگی انسان و همچنین کیفیت سطح زندگی انسان، هواست که بدون آن زندگی غیر ممکن می نماید. تقریباً زندگی بدون وجود هوا، ناممکن است، بنابراین اهمیت و توجه به این عنصر مهم حیاتی، بسیار مهم است. آلودگی هوا، عبارتست از حضور مواد سمی، آزاردهنده و یا صدمه زننده به اموال، حیات، گیاهان، حیوانات و آدمیان در جو. این آلودگی ممکن است ناشی از فعالیت های گوناگون از جمله فعالیت کارخانه ها، کارگاه ها، سوزاندن زباله ها، سوخت منازل و اماکن مختلف، خودروها و (...) باشد. در این مقاله به مبانی مسئولیت مدنی در اثر آلودگی هوا پرداختیم. اولین نظریه، نظریه ی تقصیر است. که بر طبق این نظریه باید بین زیان وارد شده و عمل دولت رابطه ی سببیت باشد و همچنین تقصیر باید محرز گردد. همچنین بر اساس ماده ی ۱۱ قانون مسئولیت مدنی، اعمال ناشی از حاکمیت، قابلیت جبران را ندارند. اما پذیرش این نظریه، در عمل سبب دشواری های زیادی در رابطه با خسارات زیست محیطی به بار می آورد چرا که پیدا کردن عامل اصلی سبب خسارات بسیار سخت و در مواردی غیر قابل انجام است. یکی دیگر از نظریات، نظریه ی خطر است. بر اساس این نظر، هر کس فعالیت نماید و در اثر این فعالیت محیط خطرناکی ایجاد نماید، مسئول است. اما این نظریه نیز توجیهی برای آن دسته از فعالیت های غیر انتفاعی دولت که بدون تقصیر هستند، ندارد. نظریات دیگری نیز وجود دارد که نظریه ی مسئولیت محض است که در بسیاری از کشورهای اروپایی، این نظریه مبنای پذیرفته شده در عرصه ی خسارات زیست محیطی است. که در این نوع از نظریات، صرف وجود رابطه ی سببیت کفایت می نماید و نیازی به اثبات تقصیر نیست. همچنین نظریات نفی ضرر، احترام اموال نیز در این زمینه وجود دارد اما به اندازه ی سه نظریه ی اول معتبر نیستند. اما در حوزه ی آلودگی های زیست محیطی غیر قابل انتساب به دولت، نظریات مختلفی از جمله نظریه ی خدمت عمومی و نظریه ی استحقاق وجود دارد. از جمله شرایط جبران خسارت ناشی از آلودگی هوا عبارتند از: لزوم ورود خسارت ناشی از آلودگی و ارتکاب فعل آلاینده می باشد. در رابطه با روش های جبران خسارت نیز روش های مختلفی ذکر شده اند که عبارتند از: اعاده وضع به حالت سابق، از بین بردن منبع ضرر، جبران نقدی خسارت و تعهد به عدم آلودگی می باشد. در حقوق بیشتر کشورهای، مبنای مسئولیت مدنی، مسئولیت محض است. اما در برخی کشورها طبق قواعد حقوق مدنی، این مبنا تقصیر و یا ترکیبی از دو مسئولیت به عنوان مبنا پذیرفته شده است. بر اساس دستورالعمل اروپایی، مبنای مسئولیت زیست محیطی، مسئولیت محض است و مسئولیت مبتنی بر تقصیر به صورت استثنایی و سلبی پیش بینی شده است. افزایش آلودگی هوا در ایران به ویژه در کلان شهرها ضرورت توجه به خسارات ناشی از آن را بیش از پیش ساخته است. آلودگی هوای آبان ماه سال ۱۳۸۹ تهران که از آن به عنوان ماه سیاه محیط زیست ایران یاد گردید، نخستین نشانه ی توجه به مسئله ی آلودگی هوا را از خود بروز داد. علاوه بر این حساسیت شهروندان و اکوژیست ها به لزوم تضمین بهره مندی آن ها از هوای پاک نیز تبدیل به

^{۱۱} Tortious liability

یکی از بحث‌های عمومی گردیده است. در این میان می‌توان دریافت که نظام‌های مسئولیت مدنی در جبران خسارات ناشی از آلودگی هوا با کاستی‌هایی مواجه هستند. این کاستی‌ها طیفی از موضوعات مسئولیت مدنی نظیر دشواری اثبات رابطه‌ی سببیت، تعدد اسباب در ورود خسارات آلودگی، اعاده‌ی وضع به حالت سابق و تدریجی بودن و پنهان بودن خسارات را در بر می‌گیرند. لذا با توجه به میزان روزافزون خسارات ناشی از آلودگی هوا به ویژه بر اموال، اشخاص و سایر عناصر محیط زیست ما نیازمند تحول جدی در مبانی حقوقی مسئولیت در این زمینه و پیش‌بینی ضمانت‌های ویژه خسارات زیست محیطی هستیم. امری که سالیانی است در فرانسه به آن توجه ویژه‌ای شده ولی در حقوق ایران ما خلاءهای قانونی و بنیادینی را در این زمینه شاهد هستیم. در رابطه با دادگاه نیز از آن‌جا این‌گونه مباحث در حوزه‌ی مسئولیت مدنی است، لذا برای طرح این‌گونه دعاوی، دادگاه‌های عمومی صالح هستند. از جمله علل و مشکلات و موانع بر سر راه اثبات این نوع مسئولیت مدنی عبارتند از انگیزه‌ی بسیار کم قربانیان این نوع خسارات، دشواری رابطه‌ی سببیت، چرا که در این امر پیدا کردن سبب اصلی این نوع خسارات بسیار مشکل و پیچیده است، دشواری ارزیابی خسارات زیست محیطی که میزان و کیفیت این نوع خسارات بسیار دشوار است، همچنین اثر خسارات ناشی از آلودگی هوا در بلندمدت نمایان می‌گردد، لذا شناسایی این نوع عامل بسیار سخت است چرا که مثلاً فردی که پس از سال‌ها در اثر تنفس هوای آلوده، دچار انواع بیماری‌های تنفسی گردد، وی نمی‌تواند عامل اصلی این خسارات را معین نماید.

۱-۲-۴ پیشنهادات:

ضرر زیست محیطی را می‌توان به طور مضیق، تنها با اشاره به منابع طبیعی یا موسع، شامل ضرر به مطلوبیت محیط زیست تعریف کرد. آلودگی ضرورتاً همان ضرر به محیط زیست نیست. در این حیطه می‌توان دو نوع تکلیف را برای دولت‌ها برای حفظ محیط زیست بار نمود. یک دسته از این تکالیف، اقدامات پیشگیرانه است که از طریق هماهنگی و همکاری و انجام اقداماتی خاص با حسن نیت کامل باید انجام پذیرد تا اصولاً از انجام خطرات وارد بر محیط زیست جلوگیری به عمل آید یا خسارات را به حداقل برساند و یا با وضع قوانین مسئولیت داخلی، موضوع را از لحاظ تعیین مسئولیت و پرداخت غرامت لازم مشخص کنند تا جبران خسارت، نسبتاً به راحتی انجام پذیرد. به نظر می‌رسد قواعد مسئولیت مدنی ناشی از تجاوز به محیط زیست چنین بر می‌آید که قواعد مسئولیت مدنی سنتی در این راه کارآمد نیست و قانون مسئولیت مدنی در پاسخگویی به منافع و حقوق عمومی ناتوان است، زیرا در آن قانون، حقوق و اموال خصوصی مورد حمایت قرار گرفته است. بنابراین درباره‌ی جبران و پیشگیری خسارت‌های زیست محیطی باید به قوانین و مقررات حمایت از محیط زیست مراجعه نمود. با وجود این، قواعد سنتی مسئولیت مدنی در مورد امکان تحقق مسئولیت زیست محیطی، عوامل توجیه‌کننده‌ی آن و شیوه‌های جبران خسارت قابل استفاده است. بنابراین در حوزه‌ی اقدامات پیشگیرانه، این امر ضروری است تا با پیش‌بینی قوانین مربوط به این حوزه، تا حد زیادی جلوی سو استفاده‌ای مکرر و طولانی بسیاری از کارخانه‌ها و صنایع که عوامل اصلی آلاینده به شمار می‌روند گرفته شود. در حقوق ایران به دشواری می‌توان با استناد به قانون مسئولیت مدنی خسارت‌های زیست محیطی را مطالبه کرد و برای مطالبه‌ی این نوع خسارات باید به قوانین خاص حفاظت از محیط زیست مراجعه نمود. در کشورمان حق بر محیط زیست سالم به عنوان یکی از حقوق بنیادین افراد در اصل ۵۰ قانون اساسی مورد شناسایی قرار گرفته است و همچنین در ماده‌ی ۱ قانون مسئولیت مدنی این نوع خسارات قابل مطالبه هستند. در این خصوص با استناد به قواعد مسئولیت مدنی سنتی در ارزیابی خسارت‌های زیست محیطی ناتوان است و در این مورد وظیفه بر عهده‌ی دولت و قانونگذاران است تا با تمهید قانون خاص مسئولیت مدنی ناشی از خسارات زیست محیطی، به حمایت از این حقوق بپردازد. در دسته‌ی دوم تکالیف دولت نیز، مربوط به تکالیف پس از حادثه است که مسئولیت مربوط به دادگاه‌ها و قوه‌ی قضائیه که با تشخیص به موقع و رسیدگی به پرونده‌ها، راه را جهت احقاق حق افراد و اشخاص جلوگیری نماید. بنابراین لازم و به جاست که قضات و دادگاه‌ها با تفسیر و اعمال قواعد مربوط به مسئولیت مدنی دولت در قبال آلودگی هوا، متخلفان را مجازات نماید.

منابع:

امامی، ح. (۱۳۸۵). حقوق مدنی (نسخه ۱، جلد ۲۶). تهران: انتشارات اسلامی.

آرش پور، ع. (۱۳۹۲). مسئولیت بین المللی نقض تعهدات زیست محیطی (جلد چاپ اول). تهران: جنگل، جاودانه.
 باریکلو، ع. (۱۳۸۷). مسئولیت مدنی (جلد ۲). تهران: میزان.
 بهرام مستقیمی، مسعود طارم سری. (۱۳۷۷). مسئولیت بین المللی دولت با توجه به تجاوز عراق به ایران. دانشکده ی حقوق و علوم سیاسی. تهران: دانشگاه تهران.
 بهرامی حمیدی، ح. (۱۳۹۱). ضمان قهری (جلد اول). تهران: دانشگاه امام صادق.
 حکمت نیا، م. (۱۳۸۶). مسئولیت مدنی در فقه امامیه (جلد اول). قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
 زرگوش، م. (۱۳۸۹). مسئولیت مدنی (جلد اول). تهران: میزان.
 صفایی، س. (۱۳۹۰). مسئولیت مدنی، الزامات خارج از قرارداد. تهران: یاران.
 طباطبایی، م. (۱۳۸۶). حقوق اداری (جلد ۱۳). تهران: سمت.
 فهیمی، ع. (۱۳۹۱). مسئولیت مدنی ناشی از تخریب محیط زیست در فقه و حقوق ایران (مطالعه ی تطبیقی در حقوق فرانسه و اسناد بین المللی) (جلد ۱). قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
 قاسم زاده، م. (۱۳۸۷). مبانی مسئولیت مدنی. (جلد ۵). تهران: میزان.
 کاتوزیان، ن. (۱۳۸۹). وقایع حقوقی-مسئولیت مدنی. تهران: شرکت سهامی انتشار.
 کاتوزیان، ن. (۱۳۸۶). الزام های خارج از قرارداد، ضمان قهری (جلد اول). تهران: دانشگاه تهران.
 کاتوزیان، ن. (۱۳۷۱). دوره ی مقدماتی حقوق مدنی، وقایع حقوقی. تهران: یلدا.
 کارتین، الیورت، کاترین ورنون. (۱۳۸۲). نظام حقوقی فرانسه. (ص. بیگ زاده، مترجم) تهران: مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.

مقالات: پژوهشنامه تطبیقی دادپیشگان

والاس، ر. (۱۳۸۲). حقوق بین الملل. (س. ز. بهراملو، مترجم) تهران: موسسه ی مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش.
 اصلانی، ح. (۱۳۸۴). مفهوم و جایگاه تقصیر و در مسئولیت مدنی قهری و قراردادی. مجله ی تخصصی الهیات و حقوق، دانشکده ی رضوی، ۱۵ و ۱۶، ۵۱-۹۴.
 بهرامی احمدی، ح. (۱۳۸۳). هدف مسئولیت مدنی. فصلنامه حقوق دانشگاه تهران، ۶۶.
 رئیس، ل. (۱۳۸۹). بررسی تحولات مسئولیت بین المللی ناشی از خسارات زیست محیطی با توجه به کنوانسیون بازل. انسان و محیط زیست، دوره ی ۸ (شماره ۲)، ۵۵-۶۲.
 فغعلی، ا. ت. (۱۳۸۴). مبانی و احکام فقهی محیط زیست. مطالعات اسلامی، ۳۱-۶۶.
 مشهدی، ع. (۱۳۹۰). فقه شیعه و تحول در مبانی مسئولیت مدنی زیست محیطی، فصلنامه ی حقوق، ۱، ۳۱۳-۳۲۶.
 مشهدی، ع. (۱۳۹۰). مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی هوا. فصلنامه ی اطلاع رسانی حقوقی، ۷۳-۵۷.

جزوه ها:

بابایی مقدم، ع. (۱۳۸۴). بررسی وجوه تمایز بین خسارات زیست محیطی و سایر خسارات. جزوه ی درسی مسئولیت مدنی زیست محیطی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

پایان نامه ها:

یوسفی فر، ش. (۱۳۸۱). مسئولیت مدنی دولت (در برابر اشخاص) در حقوق ایران با مطالعه ی تطبیقی فقهی. پایان نامه ی کارشناسی ارشد. دانشگاه امام صادق.
 انصاری، م. (۱۳۸۲). بررسی تطبیقی مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی محیط زیست در حقوق ایران و اتحادیه ی اروپا. پایان نامه ی کارشناسی ارشد. دانشگاه قم.

سایت های اینترنتی:

شمسای، م. (۱۳۹۱). مسئولیت ناشی از خسارات زیست محیطی. بازیابی از <http://www.iranboom.ir/didehban/zistboom/8806-masouliat-madani-nashi-az-khesarat-haye-zistboom.html>.

منابع عربی:

حر عاملی، م. (۱۴۱۴). وسائل الشیعه (نسخه ۸، جلد ۲). قم: موسسه آل البیت.
مجلسی، م. (۱۴۰۴)، بحارالانوار (نسخه ۹۳). بیروت: موسسه الوفا.
موسوی بجنوردی، م. (۱۴۱۹). القواعد الفقهیه (نسخه ۲، جلد ۱). قم: الهادی.

منابع لاتین:

Morandiere, j. d. (1966).Droit civil (4ed., Vol. 2).

Walker, D. M. (1980). The oxford companion to law.Oxford: Clarendon press.

پژوهشنامه تطبیقی دادپیشگان